

اگر فرصت داشتم که دوباره کودکم را بزرگ کنم

به جای آنکه انگشت اشاره ام را به سمت او بگیرم
در کنارش انگشت هایم را در رنگ فرو می بردم و نقاشی می کردم
به جای غلط گیری به فکر ایجاد ارتباط بیشتر می بودم
بیشتر از آنکه به ساعت نگاه کنم ، به او نگاه می کردم
سعی می کردم در باره اش کمتر بدانم ، اما بیشتر به او توجه می کردم
به جای اصول راه رفتن ، اصول پرواز کردن و دویدن را با او تمرین می کردم
از جدی بازی کردن دست بر می داشتم و بازی را جدی می گرفتم
در مزارع بیشتری می دویدم و به ستارگان بیشتری خیره می شدم
بیشتر در آغوشش می گرفتم و کمتر او را به زور می کشیدم
کمتر سخت می گرفتم و بیشتر تأییدش می کردم
اول احترام به خود را دراو می ساختم و بعد خانه و کاشانه اش را

و

بیشتر از آنکه عشق به قدرت رایادش بدهم
قدرت عشق را یادش می دادم

دایان لومان